



بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و شادکامی در کودکان

مجید بحرینی بروجنی^۱، ناصر امیری ابراهیم محمدی^۲، معصومه همتیان^۳

۱- دکترای برنامه ریزی درسی، هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان شهرکرد.

۲- دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان شهرکرد.

۳- کارشناس ارشد حقوق جزا

چکیده

با توجه به اهمیت و ارزش شادکامی در بین متخصصان و دانشمندان آموزش و پرورش و علاقه به رشد و گسترش آن در بین دانش آموزان و آموزشگاه ها و بررسی ارتباط آن با عوامل مختلف هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هوش هیجانی و شادکامی در دانش آموزان ابتدایی شهرستان لردگان بود. بدین منظور از جامعه آماری دانش آموزان ۲۰۰ نفر بطور تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش از پرسشنامه هوش هیجانی و شادکامی آکسفورد استفاده شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین هوش هیجانی و شادکامی ارتباط معنادار دارد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که هوش هیجانی و شادکامی در مجموع ۵۴ درصد شادکامی آنان را به طور معناداری تبیین می کند ($P < 0/05$).

واژگان کلیدی: شادکامی، هوش هیجانی، کودکان.

مقدمه

نقش و کارگر مدارس در آستانه هزاره سوم میلادی تغییر و جهش چشمگیری پیدا کرده است. افزودن برافای نقش سنتی مدارس مبنی بر تربیت افرادی فرهیخته مدارس عهده دار پرورش شهروندانی مسوؤل و رشد یافته و برخوردار از مهارت های اجتماعی و عاطفی نیز هستند (پلیتری^۱، ۲۰۰۶). از این رو توجه جدی و همه جانبه به عواملی که بستر لازم جهت دستیابی به این هدف را فراهم می سازند، اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. بدین منظور توجه جدی به رشد عاطفی و اجتماعی دانش آموزان یکی از راهبردهای اساسی در نیل به این هدف بشمار می رود.

رویکرد یادگیری اجتماعی- عاطفی^۲ مبتنی بر این باور است که کلیه فرایندها و بخش های یک نظام آموزشی اعم از طراحی و برنامه ریزی آموزشی و درسی، مدیران، معلمان، کارکنان، و مطالب و موضوعات درسی می بایست در خدمت آموزش و بهبود مهارت های اجتماعی و عاطفی یادگیرندگان، قرار گیرند. آموزش مهارت های هوش هیجانی «قطعه گمشده» آموزش های

اجتماعی و هیجانی است که از ذهن بسیاری از معلمان مغفول مانده است. محیط اجتماعی مدرسه نمونه کوچکی از نظام اجتماعی جامعه تلقی می گردد. روابطی که دانش آموزان با معلمان و همسالان خود در مدارس برقرار می کنند، نقش اساسی در اکتساب نگرش ها، باورها و ارزش های بنیادین اجتماعی دارد و درک دانش آموزان را از جامعه و محیطی که در آن قرار دارند، تحت تاثیر قرار می دهد. مدرسه یکی از مهمترین بافت های یادگیری مهارت های هیجانی است. آموزش هیجانی می تواند از طریق گستره ای از تلاش ها مانند آموزش کلاسی، فعالیت های فوق برنامه، جو و شرایط حمایتی مدرسه، و درگیر کردن دانش آموزان، معلمان و والدین در فعالیت های اجتماعی صورت گیرد. در صورتی که فرآیند اجتماعی شدن و رشد مهارت های هیجانی در محیط اولیه خانواده مطلوب نباشد، این امکان وجود دارد تا مدارس از طریق آموزش های ترمیمی به جبران این کاستی ها بپردازند. براین اساس بسیاری از مربیان و روانشناسان نسبت به توجه و توسعه آموزش مهارت های اجتماعی و هیجانی در مدارس تاکید کرده اند (به نقل از مایر و سالووی، ۱۹۹۷).

تحولات عظیمی که در حوزه های هوش و هیجان رخ داده دیدگاه های سنتی را زیر سؤال برده و بر ارتباط نزدیک و درهم تنیده هوش و هیجان تأکید نموده است. از پیشگامان این تحولات در حوزه هوش می توان به گاردنر^۳ (۱۹۸۳) به نقل از اشترنبرگ^۴ (۲۰۰۱) اشاره کرد و در حوزه هیجان از کشفیات ژوزف لی دوکس (به نقل از گلن^۵، ۱۳۷۹) نام برد. اما اوج این تحولات به مطرح شدن مفهوم «هوش هیجانی»^۶ توسط سالووی^۷ و مایر^۸ (۱۹۹۰)، برمی گردد که آشکارا بر در هم تنیدگی هوش و هیجان تأکید می کنند. از نظر آنها «هوش هیجانی» عمدتاً به عنوان توانایی فرد در بازنگری احساسات و هیجان های خود و دیگران، تمیز قایل شدن میان هیجان ها و

^۳. Gardner.h

^۴. Sternberg. R. j

^۵. Goleman

^۶. Emotional intelligence

^۷. Salovey

^۸. Mayer

1. Pellitteri

۲. Social emotional learning